

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ می ۲۰۲۱

"بر زمینت می زند نادان دوست"

سه شنبه - ۴ جوزای ۱۴۰۰ - کابل: از طریق اخبار اخبار شنیدیم که سرانجام "غنی احمدزی" بعد از ۱۱ روز مقاومت بیهوده در مقابل "دوستم" و هوادارانش، تسلیم اراده آنها شده، "داوود لغمانی" را بدون آن که بر کرسی ولایت تکیه زند، به کابل خواسته و به جای آن معاون ولایت فردی به نام "راسخ" را موقتاً سرپرست مقرر نمود. هر چند مگسان گرد شیرینی قدرت از قماش "مرتضوی" این عقب نشینی مفتضحانه را که با آبروی یک منتظر الحکومه نیز بازی شد، سیاست "برد، برد" تبلیغ می دارند، مگر در واقعیت امر قضیه آن طور نیست که آنها ادعا دارند، عکس آن تمام قضیه مطلقاً به نفع "دوستم" تمام شده، در مورد "غنی احمدزی" ضرب المثل "سرخ بالا شدن یک عیب، پائین شدنش دیگر عیب" صدق می نماید. زیرا:

۱- نخستین مسأله ای که نه تنها برای من بلکه فکر می کنم برای اکثریت مردم افغانستان که به مسایل سیاسی علاقه مند اند، سؤال است، این است: آیا "غنی احمدزی" همان طور که مخالفانش ادعا دارند، تمام تصمیمات و مقرری ها را شخصاً پیدا، مشخص و مقرر می دارد و یا کس و کسانی در این امر به وی مشوره می دهند. هرگاه واقعاً تمام کارها را بدون مشوره و پرسان با نزدیکانش انجام می دهد و به حرف هیچ یک از نزدیکانش به خصوص مثلث "محب، فضلی و کتوازی" نیز گوش نمی دهد و در همه موارد مسؤولیت مطلقاً متوجه خودش است، افراد نامبرده باید از خود بپرسند که آنها چرا باید در نزد مردم بقیه بردار اشتباهات "غنی احمدزی" معرفی و آماج انزجار همگانی قرار گیرند.

اگر قضیه آنطور نیست و "غنی احمدزی" حداقل در تعیینات نظر این مثلث فتنه انگیز را جویا می شود و ارزشی هم به نظرات شان قایل است، می باید حکم نمود که آنها آگاهانه و یا هم نا آگاهانه چنان با "غنی احمدزی" بازی می نمایند که کوچکترین حرمت و احترامی برایش باقی نگذاشته اند و در لباس دوستی بزرگترین دشمنی را با وی می نمایند.

۲- خلاف ادعای فیسبوقی "مرتضوی" این یک بازی "برد، برد" نبود، بلکه در تضاد با باختی که "غنی احمدزی" نمود، برای "دوستم" بین هواداران و اعضای باندش چنان اعتباری به ارمغان آورد که دیر باز می تواند از ممر آن مصرف نماید.

اصولاً تنها "دوستم" مطرح نیست، بلکه تمام جنگسالاران از "دوستم" گرفته تا "گلبدین" و از "سیاف" گرفته تا "عبدالمود" و بقیه شرکای جرم شان، از سالها بدین طرف بر مبنای جنایاتی که انجام داده اند نه تنها هیچ جایگاهی بین

مردم نداشته و ندارند، بلکه از کمترین احترامی نیز برخوردار نبوده همه بدون استثناء در آماج نفرت و انزجار مردم قرار داشته اند.

به نظر من آنچه باعث شده است تا آنها هنوز هم به حیات سیاسی شان ادامه دهند امتیازات و پاسهائی بوده که نخست از جانب اشغالگران و بعد تر از جانب حاکمیت "کرزی و غنی احمدزی" به آنها داده شده است. می توان نوشت، در حقیقت این اشغالگران امپریالیست بوده که این افراد را که از هراس خشم مردم شب را از روز تمییز نمی توانستند و هرکدام تلاش می نمود تا راه نجات از بازخواست پیدا نمایند، حرمت قایل شده، مجدداً برگرده مردم سوار نمود. هموطنان گرامی!

حرفی را که می زنم ادعای خشک و خالی نیست، بلکه مبتنی بر مطالعه عمیقی است که در بین مردم صورت گرفته است. همین دو روز قبل بود که باشندگان شهر میمنه و حوالی آن که در تظاهرات حصه گرفتند، علی رغم آن به صد ها و هزاران جوان و پیر تحصیل یافته و متجرب بین خود دارند، در جریان یک به اصطلاح انتخابات آزاد و دموکراتیک پذیرفتند، که نماینده آنها یک انسان کم سواد، زورگو و متجاوز جنسی باشد.

به نظر من این احترام و جایگاه را نه تنها مرهون عملکردهای ضد انسانی، خشونت ها، قساوت ها و با کمال معذرت "کون گائی" های خودش است، بلکه امپریالیسم از یک سو و افراد جبون، نادان و احمق چون "غنی احمدزی" از سوی دیگر نیز در بزرگ ساختن آنها با آغاز به جنگی که برد ندارند و ناگزیر به عقب نشینی مفتضحانه اند، مسئولیت مستقیم دارند. توده های عوام الناس وقتی می بینند که دولت و ریاست جمهوری در مقابلش تسلیم می گردد، به جای آن که نفرت طبقاتی اش گل نماید، عقده ها و انحرافات تباری اش زنده شده، پیروزی وی را مال خودش می داند و باز هم در عقبش می ایستد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!
سرکها ما را می طلبند!